



تدوین مدل مدیریت استعداد در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران: یک مطالعه‌ی تئوری بنیادی

سید محمد جواد سبحانی^۱، امیر علم‌بیگی^۲

^۱دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی/دانشگاه تربیت مدرس، استادیار ترویج کشاورزی/دانشگاه تهران،

Javadsobhani708@gmail.com

مروری گذرا بر ادبیات مدیریت استعداد، طیف وسیعی از مباحث را در مورد مرزهای مفهومی این موضوع جدید را آشکار کرده است. اما علی‌رغم علاقه و توجه زیاد دانشگاهیان و فعالان عرصه‌ی مدیریت استعداد، همچنان این موضوع پیشرفت زیادی نداشته است و به زعم صاحب‌نظران هنوز تعریف پایدار و واحدی از مدیریت استعداد وجود ندارد. از طرفی تنها تعریف، مفهوم‌پردازی و گونه‌شناسی استعداد منجر به مدیریت مطلوب استعدادهای نخواهد شد بلکه این امر مستلزم بکارگیری مدلی جامع در این زمینه است. بدیهی است که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به عنوان کلیدی‌ترین رکن پرورش نیروی انسانی در هر جامعه تلقی می‌شوند و به نحوی مولد سرمایه‌ی فکری نسل‌های آتی خواهند بود. از این رو هدف اصلی مقاله حاضر تدوین مدل جامع مدیریت استعداد و سازگار با نظام آموزش عالی کشاورزی ایران است. در پژوهش کیفی حاضر به روش تئوری بنیادی شاخص‌های مدیریت استعداد در نظام آموزش عالی کشاورزی شناسایی شده و پس از کد گذاری با استفاده از نرم افزار MAXQDA مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحلیل‌ها نشان داد که مدل مدیریت استعداد دارای ۳ مضمون کلی شامل پیش‌نیازها، چرخه فرآیند و پیامدهای مدیریت استعداد در نظام آموزش عالی کشاورزی که هر یک از مضامین متشکل از طبقات و شاخص‌هایی هستند. بنابراین، نتایج مقاله حاضر به جهت ارائه تعریفی روشن از مدیریت استعداد و توضیح محدوددهای آن برای تحقیقات آتی در زمینه سنجش و بکارگیری مدل مدیریت استعداد راهگشا خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت استعداد، نظام آموزش عالی کشاورزی، تئوری بنیادی، مطالعه‌ی کیفی.